



## توضیحات سید محمد خاتمی در باره انتخابات اخیر و رویکردی که این بار اتخاذ کرد

سیدمحمد خاتمی، رهبری جبهه اصلاحات و رئیس جمهوری پیشین روز گذشته در جمع مشاوران خود به تبیین وضعیت کشور، انتخابات و راه برون رفت از بحران‌های پیش رو و بازگشت امید به جامعه پرداخت. بخشی از این سخنان بدین شرح است: «چند روز پیش از برگزاری انتخابات گفتم که همه از مردم سخن می‌گویند و افزودم فعلاً وقتی می‌گوییم «مردم»، مراد همان بالای پنجاه درصدی است که در دو انتخابات قبلی شرکت نکردند و نیز چند میلیون نفری که با رأی اعتراضی و به اصطلاح باطله خود ناخشنودی‌شان را نشان دادند و در انتخابات آخری هم دیدیم که درصد کسانی که رأی ندادند و نیز آراء باطله از انتخابات قبلی بیشتر بود. این به آن معنا نیست که آنان که در انتخابات شرکت کردند مردم نیستند. مردم همه اقلشار و بخش‌های مختلف رنگین کمان دل انگیزی اند که ملت ایران نام دارد و مورد احترام عمیق من است. همگی شهروندان ذی‌حق اند که فقر و فساد و تبعیض را نمی‌پسندند و همه به فکر اعتلای ایران و بهبود وضع جامعه‌اند. فعلاً سخن بر سر کسانی است که به‌نحو ناراضیاتی خود را ابراز داشته‌اند و می‌دارند. امروز علاوه بر ناخشنودی و اعتراض نخبگان و به‌خصوص جوانان که به ائتلاف مختلف ابراز می‌شود، با توجه به آمار و اطلاعات رسمی باید گفت امر مشترک میان اکثریت بالای ملت ناراضیاتی از وضع موجود و سامان و سازمان راهبردی جامعه است که روز به روز امید به آینده نیز کمتر می‌شود... در چنین وضعی براندازان نرم و سخت می‌کوشند از این ناراضیاتی در راستای ادعاهای واهی خود سوءاستفاده کنند؛ در حالی که بر این باورم اکثریت قاطع ناراضیان (و بسیاری از کسانی که در انتخابات شرکت کردند) ناراضی اند اما به هم خوردن امنیت و ثبات کشور را نمی‌خواهند. غالب مردم اصلاح‌گه‌زیننه و پرفایده‌امور را طالبند، لذا نظر «براندازی نه‌ممکن است، نه مطلوب»؛ از جمله در همین جا معنی پیدا می‌کند.

مطلوب‌ترین راه برای رهایی از این وضع یک مصالحه ملی است که در سایه آن، اولاً، جامعه نشاط خود را باز یابد و زمینه مشارکت فعال مردم فراهم آید. ثانیاً، راه براندازی مسدود گردد و از خودبراندازی نیز که برای حاکمیت و مردم زیان‌های فراوانی دارد، خودداری شود. ثالثاً، از دامنه پیشرفت بحران‌هایی که روز به روز بیشتر می‌شود، کاسته گردد. این یعنی مصالحه‌ملی برای اصلاح ساختار، رویکرد و رفتار به‌خصوص از جانب نظام حکمرانی. گفته‌ام و بی‌از هم می‌گویم که راه نجات، استقرار مردم‌سالاری توسعه‌گراست و با توجه به واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی کشور و اعتقاد بخش مهمی از مردم، «جمهوری اسلامی» که دست‌آورده مهم انقلاب است، می‌توانست و می‌تواند پاسخگوی بسیاری از خواست‌های تاریخی ملت و آرزوهای پاینده او باشد و انسجام و امنیت ملی و پیشرفت کشور و مصالح و منافع ملی را تأمین کند اما کدام جمهوری اسلامی؟ جمهوری مردم‌سالار به همان معنی که در دنیا هست و اسلامیت (در عرصه حیات اجتماعی) که نه تنها با پایه‌های اصلی جمهوری مردم‌سالار سازگار باشد بلکه آن را تقویت و خواست‌تر می‌کند... این بنده کوچک خدا همیشه بر انتخابات و اهمیت آن تأکید داشته است و دارد و در راه غیر خواهانه اصلاح وضع نگران کننده کشور را «تزیخش کردن نهاد انتخابات» می‌داند. من آنچه را که برای بهبود وضع و در جهت منافع ملت و کشور و حتی حکومت به نظر می‌آمده است، تاکنون گفته‌ام و پیشنهاد کرده‌ام، اما متأسفانه به آن اعتنایی نشده است. این بار تصمیم گرفتم که اگر نمی‌توانم کاری برای مردم بکنم همراه و هم‌نوا با خیل ناراضیانی باشم که در عمق وجودشان بر این باورند که اگر راه نجاتی باشد راه اصلاح امور است. آگاهانه و صادقانه رأی ندادم تا به هیچ‌کس دروغ نگفته باشم. بدون اینکه با انتخابات معنادار به عنوان منشأ تقویت قدرت و حاکمیت ملت و امنیت ملی و ترمیم اعتماد همگانی، مخالف باشم و بدون اینکه به رأی دادن مردم مخالفت کنم، رأی ندادن را در شرایط نامطلوب کتونی وجه دیگری از رأی دادن در وضعیت حتی نسبتاً مطلوب انتخابات می‌دانم؛ به این امید که با رأی ندادن در این شرایط اعتماد آسیب‌دیده مردم از حکومت و جریان‌های سیاسی از جمله اصلاح‌طلبی (که دامنه‌اش گسترده‌تر از دایره اصلاح‌طلبان رسمی است) تا حدی ترمیم شود. نیاز حیاتی امروز کشور بازگرداندن سرمایه اجتماعی و حرکت به سوی نوعی مصالحه میان حاکمیت و مردم برای نجات کشور از تهدیدها و بحران‌ها و برداشتن گام‌های جدی برای ورود به وضعی است که در آن ثبات و امنیت پایدار و پیشرفت همه‌جانبه کشور و آزادی و رفاه و بهبودی معیشت همه طبقات مردم و عزت ملی و بین‌المللی ایران عزیز تأمین شود.»

# قله نزدیک است

## یاد و خاطره حماسه ۹ دی گرامی



# آینده تندروها پس از ۱۱ اسفند

## آیا پیروزی جبهه پایداری در تهران به معنی تسلط بر مجلس آینده است؟

گرفته و هم به صورت مجزا لیست دهند. در نتیجه آنها توانستند از دل لیست شانا و لیست خودشان، ۹۴ نفر را به مجلس یازدهم بفرستند

**ریاست جمهوری سیزدهم (۱۴۰۰)** - در این دوره از انتخابات ریاست جمهوری، این جریان مسیری متفاوت‌تر از دو دوره گذشته را دنبال کرد. ابتدا سعید جلیلی به‌عنوان نامزد از سوی این جریان سیاسی وارد انتخابات شد، در مناظره‌ها حضور داشت تا به نوعی بار سیاست خارجی را در مناظره‌ها به دوش بکشد اما در نهایت با کناره‌گیری سعید جلیلی، آنها هم از سید ابراهیم رئیسی حمایت کردند تا گزینه مدنظرشان به‌یادآور برسد و اولین موفقیت در انتخابات ریاست جمهوری را در سال رخصت‌های چهره‌های میانه‌روی مانند عل‌علی لاریجانی و اسحاق جهانگیری به‌دست آوردند.

### عصر جدید تندروها

زمستان ۱۳۹۸ و خرداد ۱۴۰۰ را می‌توان مرحله‌ای مهم برای آغاز عصر جدید تندروهای جریان راست تلقی کرد. آنها با استفاده از یکدست‌سازی صورت‌گرفته در قوه‌های مقننه و مجریه، توانستند یک گام دیگر در راستای آرزوهای دیرینه خود بردارند. البته در حالی که به نظر می‌رسد تندروهای جناح راست زیر پرچم جبهه پایداری به فعالیت خود در راستای آرزوهای شان ادامه دهند، اما یازدهم اسفندماه سال ۱۴۰۱، یک جریان دیگر از دل جبهه پایداری اعلام موجودیت کرد و شریان با حضور برخی از چهره‌هایی که از جبهه پایداری جدا شده بودند، به جامعه سیاسی کشور معرفی شد.

آنها در مرام‌نامه خود هدف از تشکیل این جریان را اینگونه معرفی می‌کنند: «تحول در نظام حکمرانی کشور از طریق شبکه‌سازی اثرگذار، آینده‌نگر، پویا، کارآمد و ارزش‌مدار جهت نیل به پیاده‌سازی تمدن نوین اسلامی و حکمرانی متعالی» راهبرد این تشکل جدید اصول‌گرایان، در یادداشتی که میثم نادری، عضو شورای مرکزی شریان چند روز پیش نوشت، مشخص‌تر است. او در بخشی از یادداشت خود نوشته است: «روز پنجشنبه ۲۵ آبان ۱۴۰۲ در دیدار اعضای شورای مرکزی با یکی از بزرگان عضو شورای فقهی در قم، دو راهبردی اصلی انتخابات مورد جمع‌بندی قرار گرفت: رقابت درون جبهه انقلاب به جای رقابت با اپوزیسیون غربی و رقابت درون جبهه‌ای به شکلی که مورد سوءاستفاده اپوزیسیون غربی قرار نگیرد.» به هر ترتیب، جبهه پایداری و شریان پیش‌روی کرده تا در آستانه انتخابات مجلس دوازدهم قرار بگیریم. البته نباید این موضوع را فراموش کرد که ضلع سوم جبهه پایداری و شریان هم در آستانه انتخابات با نام «جبهه صبح ایران» و با دبیرکل علی‌اکبر رائفی‌پور اعلام موجودیت کرده است.

شباهت داده و بنویسد: (۱۱ اسفند ۱۴۰۲ شبیه‌ترین روز به سوم تیر ۱۳۸۴ بود.)

**مجلس نهم (۱۳۹۰)** - اولین حضور انتخاباتی آنها مربوط به دوره نهم مجلس است. جبهه پایداری در اولین تجربه انتخاباتی خود لیستی جداگانه را در تهران ارائه کرد و در برخی شهرستان‌ها هم کاندیداهای مربوط به خود را داشت؛ اما علاوه بر آن، توانست با جبهه متحد اصول‌گرایان هم ائتلاف کرده و برخی گزینه‌های خود را در این لیست قرار دهد. در نتیجه آنها در اولین تجربه، ۲۳ کرسی را به‌صورت اختصاصی و ۵۹ کرسی را به‌صورت مشترک با جبهه متحد اصول‌گرایان به‌دست آوردند.

**ریاست جمهوری یازدهم (۱۳۹۲)** - انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری اولین صحنه تکراری آنها و جد شدنشان از بدنه اصول‌گرایی بود. ابتدا قرار بود اصول‌گرایان با نامزدی واحد وارد انتخابات شوند، اما اتحاد سه‌گانه «قالیباغ، حداد، ولایتی» بر هم خورد. در سمت مقابل، جبهه پایداری ابتدا محمدباقر لنگرانی را با توصیه پدر معنوی این جریان به‌عنوان کاندیدا معرفی کرد اما پس از رخصت‌های سعید جلیلی به‌عنوان نامزد ویژه جبهه پایداری معرفی شد، آنها حاضر به کناره‌گیری به نفع هیچ نامزدی نشدند و در نهایت جلیلی توانست نزدیک به ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار رأی به‌دست آورد و در بین ۶ نفر، سوم شود.

**مجلس دهم (۱۳۹۴)** - پس از روی کار آمدن دولت حسن روحانی، اولین انتخابات پیش‌روی آنها در اسفند ۹۴ برای به‌دست آوردن کرسی‌های مجلس دهم بود؛ تصمیمی که در این مقطع از سوی جبهه پایداری گرفته شد، کاملاً وابسته به تصمیم اصلاح‌طلبان بود. وقتی قرار شد اصلاحات و اعتدال‌گرایان با لیستی واحد تحت عنوان «لیست امید» وارد عرصه شوند، جبهه پایداری هم وارد ائتلاف بزرگ اصول‌گرایان شد و برخی از چهره‌های این جریان مانند جواد کریمی‌قدوسی توانستند از شهرستان‌ها وارد مجلس شوند.

**ریاست جمهوری دوازدهم (۱۳۹۶)** - با نزدیک شدن به زمان برگزاری انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری، آن‌ها هدف مشترکی را با اصول‌گرایان انتخاب کردند؛ هدفی مبنی بر اینکه باید دولت از حسن روحانی گرفته شود. در همین راستا، مسیر سال ۹۲ توسط این جریان تکرار نشد؛ آنها ۱۶ روز پیش از برگزاری انتخابات بیانیه رسمی داده و از سید ابراهیم رئیسی حمایت کردند و باز هم شکست خوردند.

**مجلس یازدهم (۱۳۹۸)** - پیش از برگزاری انتخابات این دوره مجلس، در فضایی که رخصت‌های گسترده درباره اصلاح‌طلبان اعمال شده بود، درگیری‌های درون‌جریانی بین اصول‌گرایان و جبهه پایداری وجود داشت اما آنها در لحظه آخر موفق شدند تا هم در لیست شورای ائتلاف اصول‌گرایان سهمیه



فرهاد فخرآبادی

خبرنگار گروه سیاسی

سال ۱۳۹۰، پس از خانه نشینی ۱۱ روزه محمود احمدی‌نژاد، رئیس دولت وقت، از دل همان دولت، گروهی به نام جبهه پایداری اعلام موجودیت می‌کند که در ابتدای کار محمدتقی مصباح‌یزدی را به‌عنوان پدر معنوی خود معرفی کرده و با در پیش گرفتن مسیری، سعی می‌کند از بدنه اصول‌گرایان سنتی جدا شده و خود را به عنوان قطب جدید در سیاست ایران معرفی کند. اگر پیش از این در صحنه سیاست ایران اصلاح طلب و اصول‌گرا به رقابت می‌پرداختند؛ جبهه پایداری با اعلام موجودیت و عملکرد خود سعی کرد این دو قطب را بر هم زده و با ویژگی‌های رفتاری و ادبیتی خاص خود ضلع سوم را با هدف «تشکیل جامعه اسلامی و تمدن‌سازی اسلامی» تشکیل دهد. زمان برای آنها سپری شد تا اینکه جریانی که خودش از دل جریان اصول‌گرا جوانه زده بود، دچار انشعاب شده و از اسفند ۱۴۰۰، با حضور برخی چهره‌های جنجالی سابق جبهه پایداری، جریان جدیدی به نام «شریان» اعلام موجودیت کند تا از آن تاریخ آنها در دو جبهه به تلاش خود ادامه دهند. حالا آنها در اولین دهه از عمر خود توانسته‌اند سنگر بزرگتری را فتح کرده تا یک گام دیگر به رویای خود مبنی بر تشکیل حکومت اسلامی (نه جمهوری اسلامی) نزدیک شوند. در دور اول انتخابات مجلس، از لیست مورد تأیید جبهه پایداری ۵۸ نفر و از لیست مورد تأیید شریان ۸۳ نفر به مجلس دوازدهم رسیده‌اند. (ذکر این نکته ضروری است که انتخاب جبهه پایداری و شریان به‌عنوان تندروهای جناح راست به این علت است که در فضای سیاسی سال‌های اخیر ایران، از این دو گروه به‌عنوان گروه‌های سازمان‌یافته تندرو جناح راست یاد می‌شود.)

### راهی که رفته‌اند

مردامه ۱۳۹۰، روزی بود که جبهه پایداری با حضور چهره‌های شاخصی از دولت احمدی‌نژاد و نزدیکان او مانند صادق محسولی، غلامحسین الهام، کامران باقری لنگرانی و معلم اخلاق دولت، مرتضی آقانهانی اعلام موجودیت کرد تا آماده برداشتن اولین گام در راستای سیاست‌های پدر معنوی خود شود. از آن روز تاکنون، آنها ۷ دوره انتخابات مجلس و ریاست جمهوری را پشت سر گذاشته‌اند. در ۶ دوره، آنها به صورت دست‌وپاشکسته یک مسیر مشخص را رفته‌اند، یا نامزد اختصاصی خود را معرفی کردند یا کاندیدای مجزاد داشته‌اند اما در سال ۱۴۰۲، آنها به‌صورتی ویژه وارد انتخابات شدند و گام جدیدی را برای خود به ثبت رساندند تا کار به جایی برسد که امیرحسین ثابتی، یکی از محصولات این جریان که به مجلس دوازدهم رسیده، با قرار دادن جلد هفته‌نامه ۹ دی (هفته‌نامه حمید رسایی) که تیتیر «بازگشت امید به جبهه انقلاب» را پس از یازدهم اسفند انتخاب کرده بود، در توییت موفقیت در انتخابات مجلس دوازدهم را با رأی آوری احمدی‌نژاد در سال ۸۴